

بسم الله الرحمن الرحيم

فراسوی پرده ها

ترجمه تلخیص از کتاب: کشف الارتیاب علامه سید محسن امین

مقدم:

دکتر سید حسن فتخارزاده

ویراستار:

عبدالحسین طالعی



انشارات نبأ

سرشنه	: امین، محسن، ۱۸۶۵-۱۹۵۲ م.
عنوان قراردادی	: کشف الاریتیب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب. برگزیده. فارسی.
عنوان و نام پدیدآور	: فراسوی پرده‌ها (ترجمه و تلخیص از کتاب کشف الاریتیب علامه سید محسن امین) / [محسن امین] مترجم سید حسن افتخارزاده؛ ویراستار عبدالحسین طالعی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۲ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۱۰۰۰۰۰ ریال: ۳-۰۵۴-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: ابن عبدالوهاب، محمد، ۱۱۱۵-۱۲۰۶ ق.
موضوع	: وهابیه -- دلالیه و ردیها
شماره افزوده	: سحرزاده، سید حسن، ۱۳۲۱ -، مترجم
شماره افزوده	: طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰ -، ویراستار
ردیفی کتبه	: ۲۳۸/۶ الف ۸۰۴۲ ۹۴ BP
ردیفی دیوبندی	: ۷/۵۱۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۶۸۲۷۱

فراسوی پرده‌ها

(ترجمه و تلخیص از کتاب: کشف الاریتیب - علامه سید محسن امین)

مترجم: دکتر سید حسن افتخارزاده

ویراستار: عبدالحسین طالعی

حروفچینی: چکاد / لیتوگرافی: ندا / چاپ: دالاهو / صحافی: صفا

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا

تهران: خیابان شریعتی، روبروی ملک، خیابان شبستری، خیابان ادیبی، پلاک ۲۶

فاکس: ۷۷۵۰۶۶۰۲

تلفن: ۷۷۵۰۴۶۸۳

ISBN: 978-600-264-054-3

شابک: ۳-۰۵۴-۲۶۴-۶۰۰-۹۷۸

فهرست

.....	سخن ویراستار	۵
.....	مقدمه	۹
.....	بخش اول / بحث گفتار: در تاریخ فرقه وهابیت	۱۷
.....	فصل اول: مؤسسه وهابیت، آغاز حرکت و نخستین گروندگان	۱۹
.....	فصل دوم: جنگ های نبرزی ها و جنایات وهابیان در حجاز و عراق و جلوگیری آنها از ادای	
.....	فریضه ی حج و یارس	۲۴
.....	۱- جنگ و محاصره در عدن	۲۴
.....	۲- هجوم وهابیان به طائف	۲۶
.....	۳- سقوط طایف و ورود وهابیان به آن	۲۹
.....	۴- چیرگی وهابیان بر مکه بدون جنگ (سال ۱۲۱۸ ق)	۳۰
.....	۵- گنبد ها ویران می شود	۳۲
.....	۶- قحطی در مکه شدت می گیرد	۳۵
.....	۷- محاصره، تنگ تر و شدیدتر می شود	۳۶
.....	بخش دوم / پاسخ به شبهات وهابیه	۳۹
.....	امر اول: دو نوع حکم در دین	۴۱
.....	امر دوم: قرآن	۴۴
.....	امر سوم: سنت	۵۰
.....	امر چهارم: تعارض ادله	۵۴
.....	امر پنجم: حقیقت و مجاز	۵۷
.....	امر ششم: گناه موجب کفر نمی شود	۶۷
.....	مستندات این مطالب از آثار وهابیت	۷۳
.....	امر هفتم: اجماع	۷۷
.....	امر هشتم: اصل بر مباح بودن (اباحه) است	۸۰
.....	امر نهم: معنای بدعت	۸۲
.....	امر دهم: نیت موجب تغییر موضوع ها می شود	۸۵

۸۸.....	امر یازدهم: تعارض اَهم و مهم
۹۱.....	امر دوازدهم: تکفیر
۹۴.....	امر سیزدهم: حمل به صحت
۹۷.....	امر چهاردهم: معنای عبادت چیست؟
۱۰۳.....	امر پانزدهم: تفاوت درجات میان آفریدگان
۱۰۹.....	امر شانزدهم: حکم، موضوع خود را عوض نمی کند

بخش سوم / شباهت وهابیان به خوارج..... ۱۱۳

۱۱۵.....	جهت اول:
۱۱۷.....	جهت دوم:
۱۱۹.....	جهت سوم:
۱۲۰.....	جهت چهارم:
۱۲۱.....	جهت پنجم:
۱۲۱.....	جهت ششم:
۱۲۱.....	جهت هفتم:
۱۲۳.....	جهت هشتم:
۱۲۳.....	جهت نهم:
۱۲۵.....	جهت دهم:
۱۲۶.....	جهت یازدهم:
۱۲۶.....	جهت دوازدهم:

بخش چهارم / اعتقادات و منابع فقهی و اجتهادی وهابیان..... ۱۲۷

۱۲۹.....	۱. اجتهاد در مذهب وهابیان
۱۳۲.....	۲. اعتقاد وهابیان درباره ی خدا و صفات پروردگار

بخش پنجم / سخنان وهابیان درباره ی رسول خدا، پیشوایان مذهبی، مردان

۱۵۱.....	شایسته و بزرگان تاریخ اسلام
۱۵۳.....	۱- اعتقاد وهابیان درباره ی پیغمبر ﷺ
۱۵۴.....	۲- اعتقاد وهابیان درباره ی عموم مسلمان ها

بخش ششم / اشکالات وهابیان به عقاید مسلمانان و پاسخ آن ها..... ۱۷۱

۱۸۳.....	پاسخ به اشکالات و ایرادات وهابیان
----------	-----------------------------------

سخن ویراستار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیش از نود سال پیش در منطقه حائل عامل، عالمی مجاهد می‌زیست که در برابر کژراهه‌های رایج، احساس وظیفه می‌کرد و اقدام‌های مختلف علمی و عملی او بر این مدعا گواه است.

از سال ۱۳۴۶ قمری که مرحوم علامه سید محمد امین کتاب کشف الارتیاب را در تبیین کژی‌های اندیشه سلفی نگاشت، تا کنون بیش از نود سال می‌گذرد. در آن زمان این اندیشه‌ها از طریق بعضی از مترجمان مصری منتشر می‌شد و به لبنان و دیگر سرزمین‌ها می‌رسید. بدین روش مرحوم امین با نگارش کتابی جامع، تاریخ و اندیشه‌های وهابیت را تبیین و نقد کرد که آن را «کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب» نامید. وی علاوه بر نگارش این کتاب، مضامین آن را در قالب قصیده‌ای به نام «العقود الدریة فی ردّ شبهات الوهابیة» عرضه کرد که نزدیک به ششصد بیت است. این قصیده بارها به ضمیمه کشف الارتیاب چاپ شده است.

باری، اصل کتاب کشف‌الارتیاب، بارها به شکل‌های مختلف منتشر شده است که برخی از چاپ‌های آن همراه با افزوده‌های فرزند دانشمند فقید او استاد سید حسن امین همراه است.

ترجمه‌های کتاب به زبان‌های دیگر نیز بارها منتشر شده است. از جمله ترجمه فارسی کامل آن که دست کم دو بار با ویژگی‌های زیر عرضه شده است:

الف. تاریخچه و نقد و بررسی عقاید و اعمال وهابی‌ها، ترجمه: سید ابرهیم سید عاری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷، ۵۳۵ ص.

ب. تاریخ زندگی و نبیّت، ترجمه علی‌اکبر فائزی‌پور تهرانی. قم: مطبوعات دینی، ۱۳۸۷، ۶۱۵ ص.

کتابی که خوانندگان گرمی در دست دارند، نه ترجمه کامل، بلکه گزیده و تلخیصی روان از کتاب سید محسن امین است که پیش از کارهای یادشده سامان گرفته بود. ضرورتی که در سال ۱۳۵۲ پدیدآورنده این اثر را به تلخیص و بازنویسی کتاب کشف‌الارتیاب واداشت بود، همان ضرورتی است که امروز بیش از گذشته رخ نموده است: کمبود فرصت و حوصله خوانندگان و تخصصی بودن برخی از مباحث کتاب که سبب سلاسل بعضی از خوانندگان می‌شود.

«فراسوی پرده‌ها» یک بار در همان سال عرضه شد، در زمانی که در این موضوع در زبان فارسی، تکنگرایی‌هایی اندک شمار در دسترس بود. اکنون بیش از چهل سال از آن زمان می‌گذرد و آثار فراوان در این عرصه، عرضه شده است که جنبه‌های تخصصی از فرقه وهابیت را بررسی کرده‌اند. ولی اولاً به دلیل فضل تقدم در توجه به کتاب کشف‌الارتیاب، و ثانياً بدان روی که گزیده‌ای خوشخوان و روان و کاربردی از کتاب اصلی است، تصمیم به بازچاپ آن گرفته شد.

در این مرحله، بازنگری و ویرایش چاپ قبلی و افزودن منابع به احادیث و مستندات متن اصلی، بسیار انجام گرفت و فاصله زیاد با نسخه پیشین فارسی چنان شد که می‌توان آن را کتابی نوپدید دانست.

درباره کتاب، مؤلف و موضوع، در مقدمه عالمانه مترجم سخن به قدر کفایت آمده، به گونه‌ای که نیاز به تطویل نیست.

در این مجال، سپاس خاضعانه خود را به پیشگاه ولی نعمت‌مان امام مهدی اروا سنا فداه نثار می‌کنم که توفیق این گام کوچک را به این ناتوان داد؛ برای روح بلند نویسنده علو درجه و برای مترجم دانشور و ناشر مخلص، توفیق از خدای توفیق بخش می‌طلبیم؛ و چشمی گشوده بر راه و بیراهه و دلی سخن‌پذیر و درون‌م‌صف‌ای تمام خوانندگان را از خدای حکیم می‌طلبیم.

و آخرت خوانا أد الحمد لله رب العالمین

عبدالحسین طالعی

آبان ۱۳۹۴ شمسی

مقدمه مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بی‌منتهای خداوندی را هستی داد و برای رسیدن به هستی واقعی، نعمت‌ها ارزانی فرمود و راهنمایی‌ها نمود. سپاس خدای را بر لطف بی‌دریغش و سخاوت یک‌مانندش. سپاس او را، به آن اندازه که خود شایسته‌ی او نیست. آن حدّ که از توان ما بیرون است.

درود فراوان به روان پاک پیامبران و هادیان خلق، آن‌ها به همچون شمعی سوختند تا کلبه‌ی تاریک انسان را روشن کنند و به هدایتی روشنایی و فروغشان، گرمی دادند و حرارت بخشیدند و جان‌های افسرده را رمقی بخشیدند و انسان‌های محروم را به نوایی رسانیدند.

درود با اخلاص ما - آن‌چنان که شایسته‌ی یک درود واقعی است - به روان پاک آخرین فرستاده‌ی خدا، رسول گرامی اسلام و جانشینان راستینش علیهم‌السلام، همان‌ها که به‌راستی رهبر انسان بودند و پیشوای انسانیت، به‌ویژه درود ما تقدیم

حضور تنها یادگار خاندان نبوت و تنها شاخه‌ی باقیمانده‌ی شجره‌ی طیبه‌ی ولایت، بقیه‌ی الله حجة بن الحسن العسکری ارواح العالمین فداء.

حق یا باطل؟ راستی یا کژی؟ امانت یا خیانت؟ داد یا بیداد؟ خدا یا شیطان؟ پاکی و پاکدامنی یا آلودگی و ناپاکی؟

این‌ها همه راه‌های زندگی انسانند، و این انسان است که به مقتضیات انسان بودنش در مسیر این دوراهی‌ها قرار می‌گیرد و فضیلتش همان است که انتخاب کند و برتر را برگزیند و به آنچه برای او آفریده شده برسد و از این سنگلاخ زندگی، به سرعت بگذرد تا موجودی نمونه گردد. این دوراهی‌های درونی که در نبرد اسرارها، در سرشت هریک از آن‌ها نهاده شده است، ایجاب می‌کند که اجتماع او بر میدان جولانگاه آن‌ها گردد، برای هریک طرفدارانی و برای هر کدام درونی جمع شود، و عده‌ای دور آن و چند نفری پیرامون این یکی گرد آیند.

اینجاست که دسته‌بندی‌ها به‌راستی فایده و کشمکش‌ها پدید می‌آید، حق و باطل با یکدیگر در ستیز شده، امانت و خیانت طرفدار پیدا می‌کند، داد و بیداد در مقابل هم صف می‌بندند، عده‌ای پاکی را برگزیده و جمعیتی آلوده به ناپاکی می‌شوند.

عده‌ای پیرو حزب خدا می‌شوند و گروهی طرفداران حزب شیطان. آنان از خدا و یکرنگی و آزادی دم می‌زنند، و اینان پیرو شیطان را خواهان نفاق و کینه و دشمنی و چپاول و ستمگری هستند. اینجاست که کسانی که هنوز از مبارزه‌ی درونی خود جانی به سلامت به در نبرده در معرض کشمکش نیروهای خارجی قرار می‌گیرند، می‌خواهد قدمی به سوی هدف زندگی بردارد؛ اما در سرراهش هزاران خار پیدا شده و هزاران عامل او را از راه باز می‌دارند. عجیب وضعیتی است! و چه خطرناک راهی! می‌خواهد بایستد و اصلاً راه نرود، نه به خدا بنگرد و نه به شیطان، نه به حق بگراید و نه دم از باطل بزند.

خلاصه بی تفاوت باشد و به اصطلاح گروهی، با «صلح کل» می بیند که نمی شود بماند و توقف کند، باید راه برود تا زنده باشد. او به تعبیر شاعر، موج است که زندگیش عین تلاش و کوشش هدفدار است در جهت هدف صحیح و الهی.

او در خود احساس حیات می کند، اما نمی داند حیاتش در چیست؟
رانی در این مسیر هولناک سکون را جایز نمی داند، چون زنده است. بدین راه هر روزه می کوشد و می جوشد و تلاش می کند.

در چه مسیری؟ برای دستیابی به عقیده ی صحیح، چون عقیده، انسان را می سازد. از کشتن او می رهند و به راستی ها و روشنایی ها پیوند می دهد. اینجاست که خداوند به او و هر انسان فهمیده و هوشیاری چون او نوید می دهد و چنین طاعتش می کند:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِيمَا نَهَيْدُمُ عَنْهُ﴾

تحقیق کن، راه ها را ببین. بصیرت قدم بردار، بدان امید که بهترین آن ها را بیابی و پیروی کنی. خداوند بی برای راهنمایی کامل انسان ها پیامبر می فرستد، مبدا در این تاریخ بیابان را را نشانسد و به بیراهه افتد و جهادش به هدر رود و کوشش وی بی نتیجه بماند. آن وقت آن های باشد که از حیات بهره ای نگرفته، بلکه به بیان امام سجاد علیه السلام تمام عمرش چراگاه شیطان شده باشد که ابلیس در آن به راحتی بخورد و به آرامش بچرد.^۱
دریغا! که این کوشش های مخلصانه، به دلیل هوس بازی دشمنان و راحت طلبی عده ای مزدور و خیانتکاری مردمی کژاندیش کمتر نتیجه بخشید. در این میان، اگر فداکاری پاک باختگان و از خود گذشتگی آزاد مردان نبود، به کلی اثری از برنامه هایشان به جای نمی ماند.

از سوی دیگر، هدف خدای جهان آفرین از خلقت، غلبه حق بر باطل است.

۱. عنکیوت، ۶۹.

۲. صحیفه ی سجادیه، دعای بیستم: فإذا کان عمری مرتعاً للشیطان...

لذا هیچگاه خدای توانا اجازه نمی‌دهد تاریکی بر روشنایی غلبه کند. بدین‌روی، در هر زمان انسان‌های پاک‌نهاد را بر می‌انگیزاند تا از حریم حق و حقیقت دفاع کرده و چراغی فرا راه انسان حیران بر افروزد، تا بتواند بهتر حرکت کند و به آنجا که شایسته‌ی مقام انسانی اوست برسد.

مطالعه‌ی تاریخ، این حقیقت را به ما نشان می‌دهد. هر انسان مصلح و هر خدمتگزار با اخلاص و هر روشنفکر مسئول متعهدی را دلگرم می‌سازد و برای به نمر رساندن برنامه‌اش وی را تشویق می‌نماید تا با پشت‌گرمی و امید هرچه تمام‌تر بخوشد. زیرا این خدای اوست که به او نوید می‌دهد که: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ و ﴿لَا يَرْجُو إِلَّا حُزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ و ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ و ﴿كَانَ حَتْمًا لِّمَنَّا عَرْمُؤُنَا﴾.

جلوه‌گاه این حقیقت را می‌توان در پیامبران بزرگ، ابراهیم و موسی و عیسی و خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و علیهم دانست؛ همان‌ها که در صحنه‌ی تاریک زندگی انسان‌ها درخشیدند و «سفینه النجاة و مصباح الهدی» گشتند و راه صحیح زندگی را به انسان‌ها نشان دادند. آنان از طریق هدایت گم‌گشتگان، راه را مشخص ساختند و به ما آموختند که در هر زمانی چگونه انسان‌ها را رهنمون باشیم.

آن بزرگ‌مردان آسمانی به دانشوران آموختند تا به انسان‌ها کمک کنند، نه اینکه علم را برای علم فرا گیرند، و نه اینکه انسان را برای علم به خدمت گیرند. آری به اینان این دستور را دادند که:

﴿إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلِلْعَالَمِ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمُهُ﴾

«هرگاه کژی و تباهی بر سر راه انسانی قرار گیرد که می‌خواهد در راه باشد و جنایتکاران و مزدوران بخواهند در لباس دین و مذهب، انسان را از صراط مستقیم منحرف سازند، این دانشور مخلص باید علم خود را اظهار کند و به مردم بفهماند، و لکه‌ی اوهام و تحریفات را از دامان مذهب بزداید.»

این‌گونه است که سیدمرتضی، شیخ طوسی، شهید اول و دوم و مانند آن‌ها، با بیان و نگارش حقایق تشیع و تدریس این مطالب نورانی، راه به انسان‌ها نشان دادند و خود همچون پروانه در پرتو نور این شمع سوختند تا آینده‌ای روشن برای آیندگان ساختند.

این احساس وظیفه در هر زمان، مردان بزرگ تاریخ شیعه را واداشت که بدست‌ها را روشن کنند. این نگرش سبب شد که دست به نگارش در این مسیر بزنند، و یک لحظه آرام ننشینند و راه درست را به رهروان بنمایانند. دریغ از ناهنجاری‌ها که به جای راه روشن و خردپسند قرآن و خاندان پیامبر که مبتنی بر سبب و علل است، کژراهه‌هایی به مردم عرضه می‌شود که ضلالت و ظلمت در جبین آن پدید است. این نغمه‌های ناساز در هر زمانی از حلقومی برمی‌آید و جمعی از "ناهار را نور خود گرد می‌آورد".

یکی از این مکاتب، مکتب سلفی یا وهابی است که در سده‌ی سیزدهم هجری به‌دست محمد بن عبدوهرید پدید آمد، البته با احیای مرده‌ریگ فراموش شده و بی‌مبنای ابن تیمیه که در سده‌ی هشتم مطرح کرده بود، مطالبی که در همان زمان نیز پاسخ‌های آن‌ها را مطرح کرده بود. ابن عبد الوهاب با سوء استفاده از جهالت مخاطبان خود ادعاهایی شگفت در قالب تفسیر و حدیث ارائه کرد و کتاب‌هایی نوشت و بر خنوت‌های دوره‌ی جاهلیت جامه‌ای نو پوشاند و اندیشه‌های گروهی را در دیار وحی به این حشرها کشاند. از نخستین روزهای این جریان شیطانی، گروهی به "سکویی آن برخاستند، تا آنجا که سلیمان بن عبد الوهاب برادر مؤسس وهابیت، رساله‌ای بر اساس مبانی تسنن در رد آن نوشت و نشان داد که این حرکت بر خلاف ادعایش، با مبانی تسنن همخوانی ندارد.

دانشوران شیعه نیز در طول زمان در این مورد آثاری پدید آوردند. یکی از آنان، شخصیتی بزرگ و دانشمندی والامقام از خاندان پاک پیامبر در لبنان

(جبل عامل) مرحوم آية الله سيد محسن امين در کنار ديگر کارهای بزرگ و با ارزش علمی خود (مانند دوره‌ی مفصل اعيان الشيعه)، کتابی در زمینه‌ی پاسخ به شبهات و بدعت‌های وهابيه نگاشت.

این کتاب که «کشف الارتیاب» نام دارد، ابتدا در لبنان و سپس بارها در کشورهای دیگر به چاپ رسید.

این کتاب نفیس، حاوی مطالبی سودمند و علمی است، ولی نسبتاً مفصل است. ترجمه‌اش می‌بایست در دو مجلد ارائه شود که از حوصله برخی خوانندگان بیرون افتد. بدین روی با راهنمایی یکی از شخصیت‌های بزرگ روحانی - که خود در این راه رنج‌ها برده و تألیفاتی دارد و آثار گرانبهائی از خود به یادگار گذارده - چنان مصلحت دیدم که صفحه‌ای چند از مطالب عمومی‌تر آن را ترجمه کنم و در دسترس عزیزان فارسی‌زبان بگذارم.

در این کتاب، تاریخ ماسد از پیدایش فرقه‌ی وهابيه و سرگذشت سیاسی آن‌ها و سپس در ضمن نسبی، اشکال‌های آن‌ها در عقائد مذهبی پرداخته است. در ترجمه و تلخیص کتاب نیز همین سیر، البته با تأکید بر جنبه‌های فکری و اعتقادی دنبال می‌شود.

نویسنده بزرگوار کتاب، سيد محسن امين، در سال ۱۲۸۰ ه. ق در دیار شام به دنیا آمد و در دوران جوانی برای فرا گرفتن معارف شیعی راهی نجف اشرف گردید.

او پس از اتمام تحصیلات خود در نجف و بازگشت به سوریه و لبنان؛ با عوامل بدبختی‌زای جامعه‌ی خود به مبارزه پرداخت و از آنجا که تقوی و علم و عمل را مظهری آشکار بود، در کشور خویش به سمت مرجعیت عامه رسید و مورد توجه مردم قرار گرفت.

این بزرگ مرد روشن ضمیر، در جهت پالایش افکار جوانان از نقاط منفی بینش غربی، مدارس را به شیوه نو، با محتوای شیعی بنیان گذارد و در نخستین

اقدام، خانه مسکونی خویش را برای تأسیس نخستین مدرسه در نظر گرفت و سرانجام دبیرستانی به نام المدرسة العلویة بنیان نهاد که پس از مرگش به نام المدرسة المحسنیة تغییر نام یافت. برنامه‌ی این دبیرستان از نظر فرم، همچون مدارس دولتی بود، اما محتوایش را آموزه‌های اسلامی تشکیل می‌داد. مرحوم امین چنین مدرسی برای دختران نیز برپا کرد.

مرحوم امین بر این عقیده بود که باید مردم به ویژه جوانان شیعه، با روح برنامه‌های حائش، تشیع آشنا گردند. بدین روی کتاب‌هایی بزرگ و رساله‌هایی کوچک نوشت، مانند: المجالس السنیة در پنج جلد.

وی برای ثبت تاریخ و سبگذشت مردان راستین این مذهب، به تألیف اثر بزرگ خود «عیان الشیعة» پرداخت. برای گردآوری مواد این کتاب از کتاب‌های چاپی و خطی کتابخانه‌های ایران، عراق، رخت سفر به این کشورها بر بست و سرانجام این اثر بزرگ را در ۵۶ جلد منتشر ساخت. البته در سال‌های بعد، به شکل‌های دیگر نیز نشر یافت.

به علاوه، برای بالا بردن سطح جامعه‌ی حرم در تمام شئون زندگی همت گماشت و به اداره‌ی سه موسسه و انجمن دیگر پرداخت:

۱. انجمن جمع‌آوری اعانات برای بینوایان
 ۲. انجمن تأمین هزینه‌ی طبابت و خرید دارو برای مستمندان
 ۳. انجمن حمایت ایتام و کودکان فقیر و تأمین هزینه‌ی تحصیلات آنان
- آیه الله سید محسن امین در سال ۱۳۵۳ هـ. ق از شهرهای مختلف ایران دیدن کرد و با دانشوران ایرانی دیدارهایی داشت که گزارش آن‌ها را در سفرنامه‌اش آورده است.

سرانجام این مرد بزرگ در سال ۱۳۷۱ قمری درگذشت و در جوار حرم حضرت زینب علیها السلام در دمشق به خاک سپرده شد. رحمت گسترده‌ی الهی بر او باد.

سید حسن افتخارزاده سبزواری